



در مورد چگونگی پیدایش اتحادیه کمونیستی انترناسیونال و اینکه این اتحاد چه مشاگرهایی را در حرکت مائویستی ایجاد کرده است.

و.س.م.ل. راه کارگری . ده اکتبر 2023

و.س.م.ل. راه کارگری تشکیلات مائویستی فرانسه در سال 1979 تشکیل شده است و در سال 2022 از اتحاد 15 حزب مائویستی که پ.س.م.ل. فرانسه را نیز شامل میشود در جهان و از اینکه چه مجادلاتی را برای این اتحاد مارکسیت لنینیستی مائویستی ایجاد کرده هست با خبر شد. تشکیلات ما بطور خاص برای اینکه بدانند چه عکس العمل هایی را نیز ایجاد کرده در مجله "دو راه مبارزه" و جایی که حزب کمونیست هند در خاتمه جزو این جریان نشد در تاریخ 19 مه 2023 جمع بندیهایی را در مورد این جریان مائویستی و مجادلات آنها را بررسی کرده است. با وجود جایگاه حقیرمان در این جدول ارزشمندیم که به سهم خود بتوانیم این نظریات را با شما تقسیم کنیم. و با وجود اینکه ما در فرانسه چه در سیاست چه در عمل همواره با پ.س.م.ل.ف. در جدال بوده ایم.

در مورد کاراکتر زودرس این اتحاد کمونیستی انتر ناسیونال

ما نکاتی را در مجله "دو راه مبارزه" که در مورد زود رس بودن این پیدایش نوشته شده را تحسین میکنیم. در بسیاری از جایگاه ها اختلال و بد بررسی وجود دارد و باعث اختلافات و نا موزنی هایی

در تشکیل این حرکت انتر ناسیونالیستی ایجاد کرده است. از طرف دیگر ما همین اظهارات و انتقادات را در سال 1980 اعلام کرده بودیم و علیرغم این تضادها مانع از ایجاد این حرکت انتر ناسیونالیستی نشده است.

و با وجود اینکه در گذشته ما اعلام کرده بودیم که این حرکت انتر ناسیونالیستی نمی تواند این اختلافات را پنهان کند و دوباره ظاهر خواهند شد و با وجود اینکه حزب کمونیست هند چه در انز مان و در حال حاضر به شکلی برا با تحلیل های مختلف و تطبیق دادن این تحلیل ها با شرایط فعلی از جلو رفتن این حرکت جلوگیری کرده ولی مانع از تشکیل این جریان انتر ناسیو لیستی نشد.

رفقای هندی ما با قاطعیت اعلام کردند که تراز نامه های این بحث ها در این سومین انتر ناسیولست کمونیستی حل نشده است. و ما با که نظریه رفقای ایتالیایی را داریم که میگویند تا زمانی که یک تراز نامه جدید ایجاد نشود چیزی حل نخواهد شد موافقیم.

زمان زمان شناسایی کنفرانس مجادله و عمیق کردن آگاهی همگانه برای برنامه ریزی یک حزب مائویستی میباشد نه زمان تشکیل یک حزب مائویستی با یک مرکزیت دموکراتیک انچنان که این حرکت انتر ناسیونالیستی اعلام میکند.

تضاد های اقتصادی سیاسی و اجتماعی در سطح جهان

این بحث از سال 1960 تا بحال در حال بررسی است. (نا مه 25 نکته حزب کمونیست چین در سال 1963). اختلافات عمیقی بطور مثال تئوری سه جهان که بوسیله تن سیا پنگ در سال 1974 در سازمان ملل اعلام شد و تمامی اینها شایسته ان است که عمیقا با یک نگاه ما تریالیستی جدی و نه افراطی و با نگاه انتقادی و خود انتقادی و با روشنی به پیشرفت امپریالیست و نفوذ سرمایه داری گسترده در سراسر جهان نگاه شود.

ما به عنوان یک سازمان کوچک مائویستی در یک کشور بزرگ امپریالیستی در این مورد کار زیادی انجام نداده ایم و تر جیح داده ایم که همواره مجادله را ادامه دهیم و در این زمینه در صفحات بعدی توضیح خواهیم داد. هر چند هنوز این نتایج قطعی نیستند و همواره در آینده این بحث در این زمینه ادامه خواهد داشت.

این بوضوح آشکار است که با وجود دوباره بر قرار شدن سرمایه داری در جماهیر شوروی و چین به طور موقت باید اختلافات بین کشورهای سوسیالیستی و امپریالیستی را میان پیرانتز گذاشت.

امروزه این اختلاف به شکل عامل بالقوه در حرکت کمونیستی انتر ناسیونالیستی و حزبهای مائویستی در مبارزه کمونیستی جهانی وجود ندارد.

ما میتوانیم بگویم که امروزه اختلاف عمده در سطح جهان اختلاف بین کشورهای امپریالیستی و ملتها و خلفهای تحت سلطه میباشد. و این اختلافها در تمامی قاره ها افریقا امریکای لاتین آسیا و حتی در اروپا با وجود اوکراین بوسیله روسیه مشاهده میشود.

در کشورهای امپریالیستی اختلاف و تضاد اصلی بین بورژوازی و طبقه کارگر میباشد به خصوص در کشور ما فرانسه.

و این روشن است بر خلاف اینکه پ. س. م در فرانسه اعلام میکند که در اروپا شرایط انقلابی وجود ندارد این مسئله باید درک شود که در کشور های امپریالیستی بمانند کشور ما فرانسه از طبقه کارگر یک اریستو کراسی کارگری بوجود می آورد و چنانکه لنین می گفت: اینان نابیان (و یا سرهنگهای) کارگری سرمایه هستند و به عبارتی دیگر خورده بورژوازی حقوق دار.

ما به طور قطعی بیشتر به تضاد بین بورژوازی و طبقه کارگر به خصوص در کشورهای تحت سلطه امپریالیستها که در مقابل سرمایه داری کمپرادور یا بروکرات که به شکل قوی در این کشورها نفوذ دارند اهمیت میدهیم. ولی این بحث نباید با تشبیح دادن کشورهای امپریالیستی نگاه کرده شود

و خیلی سریع این سوال در مورد کشورهای بمانند برزیل ترکیه هند و ایران بوجود می آید و باید به خاطر بیاوریم که حزب کمونیست پرو در این زمینه بسیار تحقیق کرده است.

در خاتمه: تضاد بین کشورهای مختلف امپریالیستی و کشورهای سرمایه داری یا تک قطبی که کشورهای امپریالیستی همواره در حال ضعیف کردن آنان میباشد.

تحولات و شرایط فعلی در جهان به وسیله این اختلافات و اعوجاج و رقابتهای برای تقسیم دائمی جهان میباشد.

و همچنین باید اضافه کنیم که در بحثهای جدیدی که شروع به پدیدار شدن کرده:

اختلاف بین سرمایه داری- امپریالیست و طبیعت به دور بحث اکولوژی.

به عبارتی دیگر در مورد از بین بردن منابع طبیعی در طبیعت و ایجاد کردن الودگی بی حد و خسارت آب و هوایی که منشا آن سرمایه داری میباشد.

اصل مهم برای یک تشکیلات م. س. ی وارد کردن این تضاد در تحلیل شرایط جهانی میباشد.

در مورد بحث فلسفی انچنان که حزب کمونیست هند به آن اشاره میکند: بایستی در این مورد بسیار سختگیر بود. یک تضاد اساسی و تعین کننده بین شخصیت تولید اجتماعی و مالکیت شخصی وجود دارد. این مسئله بوسیله ماتریالیست که مائو مطرح میکند غنی تر شده و او به ما می آموزد:

که "در یک شرایط خاص همیشه یک تضاد اصلی و تضادهای فرعی (دومی) دیگری همواره وجود دارد. به عبارتی دیگر در هر تضاد یک حالت اصلی و یک حالت فرعی وجود دارد. آنچه خاص کمونیستها می باشد که بتوانند بوسیله جستجو و کار سیاسی و ایدولوژیک تضادهای اصلی و فرعی را تشخیص بدهند. و همچنین دیالکتیک مائویستی به ما می آموزد که نباید بین تضاد اصلی و فرعی یک تضاد در اشتباه افتاد و باید به خاطر آورد که حالت فرعی همواره روی تضاد اصلی اثر می گذارد و ما را به اشتباه می اندازد. این خاص دیالکتیک می باشد."

به طور مثال در فرانسه امپریالیستی تضاد اصلی تضاد بین بورژوازی و پرولتاریا می باشد و یکی از تضادهای فرعی به طور مثال: تضاد بین زن و مرد/ بین خارجیان و پرولتاریا و غیره می باشد و این تضادها بطوری پیچیده وارد تضاد اصلی میشوند.

به هر صورت ما فکر می کنیم که ل. س. ای بسیار از این نظم در شرایط فعلی جهان به دور افتاده است.

بحث در مورد امپریالیست

در مورد این بحث ما طرز فکر رفقای حزب کمونیست هند و رفقای نروژی رفقای ایتالیایی پ.و.م و بدون شک بسیاری از رفقای دیگر را داریم که میگویند شکل امپریالیست از زمان لنین تا به امروز عوض شده است و امروزه بوسیله بلوکها و اتحادها و یا تقاضاهای جهانی و رویارویی و کشمکش بین امپریالیست امریکا و اروپا روس و چینی ها (که روی مسئله اقتصادی بسیار تعرضی عمل میکند) و بدرستی امپریالیست برتر (طبق تئوری کوتسکی یا تئوری سه جهان تن سیا پیگ) وجود ندارد.

امروز یک جهان چند قطبی در حال تعقیر وجود دارد که ما را بطرف یک جنگ جهانی سوم با تشکیل بلوکهای جدید که هنوز شکل واقعی نگرفته اند سوق میدهد.

امروزه افرقهای قاطع و بدون چون چرا نمی توانند یک انالیز محسوس از یک اقتصاد ما ئویستی در این شرایط خاص برای یک حرکت کمونیستی (م.س.ی) زنده و فعال را ارائه کند.

در مورد سیاست رهبری نوع کار و الویات حزب

روی جایگاه مسلکی ل.س.ل و روی فهمی که از مائویسم ارائه میکند ما سوالهایی داریم.

مائویسم بدون شک به ما می آموزد که انقلاب باید یک انقلاب اقتصادی و اجتماعی به همراه یک انقلاب سیاسی و ایدولوژیک و با رهبری گارگری باشد.

این یک جایگاه اصلی ماتریالیسم -لنینیستی- مائویستی میباشد.

و برای تمامی این مراحل یک مطالعه خطی توده ای و کار تئوریک برای اجتناب از حرکت خود بخودی توده ای و تحقیق اقتصادی و به طور ساده "نگفتن بیخردی" انچنان که مائو در سال 1930 در کتاب "ضد فرهنگ کتابی" یادآور شد.

این درک ساده مارکسیت دیالکتیکی مرحله آگاهی در زمان حیات م.س.ی ان را غنی تر کرد.

در مورد جنگ توده ای ادامه دار

سالهاست که ما از اظهار قاطعانه "جنگ توده ای ادامه دار" و آنچه که نویسندگان این تئوری از سال 1993 به مدت 30 سال است که تعقیر نداده اند در تعجب هستیم.

442- شکلهای خوشونت انقلابی تعیین کننده مشمول شرایط مختلف هر جامعه میباشد. در کشورهای تحت سلطه جایی که روابط اجتماعی به شکل سرمایه داری نیستند خشونت انقلابی میتواند روی یک مدت زمان طولانی با تکیه به دهقانان ادامه پیدا کند.

شکل متداول آن: جنگ دراز مدت توده ای نامیده میشود. به مانند آنچه حزب کمونیست پرو رهبری کرد. این شرایط انقلابی در حال گسترش در جاییکه سیستم سرمایه داری هنوز بقدر کافی نظم نگرفته است و در جاهایی که بعضی مناطق از زیر کنترل دولت خارج باشد این شکل جنگ میتواند به طور ادامه دار باعث ساخت زیر بنای یک قدرت جدید شود.

در کشورهای امپریالیستی شکل مبارزه "مبارزه مسلحانه انقلابی شورشی" میباشد. و بدان شکلی که کارگران در پایان قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم چه در روسیه و چه در تمامی اروپا همواره این شکل مبارزه ادامه داده اند و به شکلهای متفاوت کمونیستهای این کشورها باید خود را آماده مبارزه مسلحانه کنند.

اما در اغلب این کشورها شرایط انقلابی وجود ندارد و رابطه های سرمایه داری و قدرت بورژوازی دولتها بجز در دوره های موج انقلابی از بوجود آمدن یک انقلاب جلوگیری می کنند. همچنین از بوجود آمدن مناطق آزاد شده و مقرهایی که بورژوازی بطور موقت معلق شود و یا اینکه یک شکل دیگر قدرت شکل بگیرد نیز جلوگیری میکنند.

بعضی از انقلابیون اروپایی استراژی نوینی را آزمایش کرده اند. ما همواره نام آنها به نام "تروریست" شنیده ایم.

شکل مبارزه آنها با هدف گرفتن سیاسی آنها متفاوت است و از طریق حمله های کور کورانه بوسیله گروه های ضربتی ضد بورژوازی و یا دولت را مورد حمله قرار می دهند.

ما موافق این گروه ها مخصوصا انانی که خود را مارکسیست لنینست اعلام می کنند نیستیم. مشکل ما با آنان در مورد ساختار یک حزب سیاسی که مبارزه مسلحانه را هدایت میکند است. و روی

فرصتهایی که امروزه میتوان انجام داد است. با در نظر گرفتن شرایط حرکت انقلابی تاکتیک نظامی در یک کشور امپریالیستی سوالی است که ما هنوز برای آن جواب قطعی پیدا نکرده ایم.

و به این واقف هستیم که این یک خلا جدی میباشد. و برای رسیدن به یک چنین نتیجه ای بایستی سریعاً تمامی تجارب گذشته اروپایی در این زمینه به بحث گذاشته شود. تا بتوانیم از تمامی تجارب گذشته نتیجه های منفی یا مثبت اتخاذ کنیم.

در خاتمه: ما درک جنگیدن سیاسی (باید یاد اور شد که تروتسکی اولین کسی بود که این درک را داشت و لنین توانست در سال 1920 آنرا رد کند.) و اینکه سیاست همواره به طرف جنگ میرود را رد میکنیم.

درک مارکسیست لنینیستی مائویستی و ارزیابی رهبران بزرگ روی این مسئله ما کاملاً جایگاه حزب

کمونیست هند را که میگوید "درک م.ل.م همواره فراهم آوردن همیشگی مارکسیست بروی تجارب و روشن کردن بین مائویالیست تاریخی و مائویالیست دیالکتیک باید باشد" را داریم.

آنچه ما از سال 1993 تا بحال گفته ایم این است که: راه کارگری راه م.ل.م را نیاز دارد. این سه مرحله بزرگ گسترش از یک درک جهانی ماتریالیست دیالکتیک می باشد. آنها حقایقی هستند برای تغییر و راه هایی که دوباره بایستی طی کرد.

بنابر این ما درک به تنهایی " مائویسم " را به دور می اندازیم و یا اینکه درک تک تک این مراحل مراحل دیگری را رد نمی کند. در بین رهبران بزرگ ما این جمع بندی را داریم که آنچه مارکس انگلس لنین و مائو گفته اند غیر قابل رد کردن میباشد. ما همچنین بیان عمیقی از استالین و کنزالو انجام داده ایم.

برای استالین: به مانند مائو بعد از سالهای 50 (70 درصد نظر مثبت و 30 درصد منفی) نظر ما میباشد.

چنانکه در انالیز های بعدی در حزب کمونیست چین بعد از انقلاب فرهنگی انجام شد به ما اجازه داد که شکل عمیقتری در از درک پ. س. ی. س داشته باشیم.

ما در این نگاه روی مسائلی که بوسیله رفقای نروژی ر.ک زیر خط کشی شده است و همچنین رفقای ایتالیایی که به نگاه همگانی مثبت در مورد استالین معترض هستند را داریم. و ما فکر می کنیم که سرمایه داری نه از زمان خروشف بلکه از بعد از سالهای 30 در روسیه شروع به رشد کرده است.

و چون معتقد هستیم که این مسئله میتواند به بعضی از رفقا صدمه بزند از ادامه آن اجتناب می کنیم. در مورد کنزالو: در این مورد شایسته است تا تاکتیک و استراژی انقلاب در پرو را مطرح کنیم و از موفقیت های این جنگ مردمی که به ده سال ادامه داشت را بررسی کنیم.

ما در اروپا جزو معدود سازمانهایی بوده ایم که حمایت بی شایبه از این حزب از بعد از سالها 1984 داشته ایم و همواره ضد جریانات افترا که بوسیله مطبوعات بوژوازی بخش می شد را داشته ایم و بسیاری از مقالات این حزب را به فرانسه ترجمه کرده ایم. درست بعد از دستگیری کنزالو در 24 سپتامبر 1992 و اینکه او را با لباس زندانی در یک قفس بزرگ در تمامی مطبوعات به نمایش گذاشته بودند یک بخشی از کمیته مرکزی سخنرانی او را که یک سخنرانی تاریخی از مقاومت می باشد را از زندان نشان دادند. متأسفانه تاریخ به اینجا ختم نشد یک سال بعد ما از وجود یک نامه صلح کنزالو خطاب به رئیس جمهوری وقت به نام فوجی موری با خبر شدیم که در مورد تغییرات رادیکال در پرو صحبت می کرد. در حال اینکه در سال 1991 در مورد تعادل استراتژی در مورد جنگ توده ای صحبت کرده بود.

اینها بیشک اطلاعات غلط که بوسیله سازمان سیا پخش شده است. و یا اینکه ایا خود کنزالو این نامه ها را نوشته است تعید نشده است.

آنچه ما اینجا می خواهیم اعلام کنیم در مورد خیانت کادرهای مرکزی این حزب بعد از دستگیری کنزالو می باشد. و مدارک ما در شماره 2017 به چندین زبان موجود می باشد. و ما حاضریم در این مورد بطور دقیق بحث داشته باشیم. و آنچه را که اتفاق افتاده را بطور مفصل بررسی کنیم. و در این مورد به این نتیجه می رسیم که در مورد رهبران بزرگ نباید سریعاً قضاوت کرد.

ماتریالیست تاریخی و دیالکتیکی و ضدیت ذاتی و یا ایده‌الی بودن آن

در خاتمه: تمامی این بحث جایگا های ل. س. ای تقابل ماتریالیستی تاریخی و دیالکتیک را با ذاتی بودن انرا مصور می کند.

اگر این رفقا از خود انتقاد جدی نکنند و روی راه ماتریالیستی م. ل. م حرکت نکنند نتنها خود از بین خواهند رفت بلکه ضربه سنگینی را نیز به پیشرفت مائویستی و حرکت واقعی مبارزه طبقاتی خواهند زد.

و باز نیز در خاتمه ما می خواهیم حقیرانه عمل کنیم. سازمان کوچک ما در یک کشور امپریالیستی در حال بحران و عکس عمل بورژوازی و فشار سنگین رفرمیستی متشکل بوسیله " نایبان سرمایه" انچنان که لنین می نامید و همچنین از وجود خرد کننده سرمایه داری کوچک بسیار ضربه خورده ایم. در این مدت 45 سال وجود ما بحرانهای زیادی را پشت سر گذاشته ایم. و ما مغرور از این ارثیه ای هستیم ولی میدانیم که باید فرتنانه عمل کنیم و روی ما ئو یستهای دیگر جهان برای تصحیح عقایدمان حساب کنیم.